

تأثیر آموزش مادران کودکان مبتلا به اختلال کمبود توجه/فزون کنشی
با روش آدلر- درایکورس در بهبود شیوه‌های والدگری و
کاهش نشانه‌های تضادورزی در فرزندان

**The effects of training mothers with ADHD children based
on Adler- Dreikurs' instructions on parenting styles and
oppositional behavior in their children**

M. Amiri, Ph.D.

دکتر محسن امیری *

R. Pourhosein, Ph.D.

دکتر رضا پورحسین **

S. Mozafari Saghand, M.A.

سعیده مظفری ساغند ***

چکیده

چگونگی تعامل والد-کودک در کودکان با اختلال کمبود توجه/فزون کنشی تأثیر بسیار مهمی را بر مشکلات رفتاری‌شان بر جای می‌گذارد، بدین جهت یکی از روش‌های بهبود شیوه‌های والدگری و به دنبال آن کاهش مشکلات رفتاری ارائه آموزش‌های روانشناختی در زمینه مهارگری رفتار کودکان مبتلا به اختلال کمبود توجه/فزون کنشی به والدین می‌باشد. از این رو مسأله پژوهش حاضر تعیین اثربخشی آموزش مادران کودکان مبتلا به اختلال

*. استادیار گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه زنجان (نویسنده مسؤل)

** . دانشیار گروه روانشناسی، دانشگاه تهران

***. کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه تهران

تأثیر آموزش مادران کودکان مبتلا به اختلال کمبود توجه/فزون کنشی با روش آدلر- درایکورس در...

کمبود توجه/فزون کنشی با روش آدلر- درایکورس بر بهبود شیوه‌های والدگری و رفتارهای تضادورزانه، فرزندان نشان بوده است. روش پژوهش حاضر نیمه‌آزمایشی با گروه آزمایش و گواه بود. از اینرو تعداد ۳۰ نفر از مادرانی که فرزندانشان با این اختلال تشخیص داده شده بودند به صورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و در دو گروه آزمایش و گواه هم‌تاسازی شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه مرضی کودکان، و مقیاس شیوه‌های والدگری بود. آموزش مادران در قالب ۱۰ جلسه نود دقیقه‌ای اجرا شد. در پایان دو گروه پرسشنامه‌های مذکور را به‌عنوان پس‌آزمون تکمیل کردند. داده‌ها با استفاده از تحلیل کوواریانس مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج بیانگر تأثیر کاربندی آزمایشی بر بهبود شیوه والدگری مقتدرانه ($P < 0/05$) و همچنین نشانگر تأثیر کاربندی در کاهش، شیوه والدگری سهل‌گیرانه، استبدادی و رفتارهای تضادورزانه ($P < 0/05$) کودکان گروه آزمایشی نسبت به گروه گواه بود. یافته‌ها نشان می‌دهند که آموزش به شیوه آدلر- درایکورسی، مشکلات رفتاری فرزندان را کاهش داده و سبب بهبود رابطه والد-کودک در میان مادران کودکان با اختلال کمبود توجه/فزون کنشی می‌شود.

واژه-کلیدها: اختلال کمبود توجه/فزون کنشی، آموزش آدلر- درایکورسی، شیوه‌های والدگری، رفتارهای تضادورزانه.

Abstract

Parent-child interaction in children with attention deficit hyperactivity disorder very important impact leaves on behavioral problems, Therefore, one of the ways of enhancing parenting style and subsequently reduce behavioral problems, Psychological training in behavior management of children with attention deficit disorder / hyperactivity for parents. So the present study is to investigate the effectiveness of training mothers with Adler- Dreikurs approach on enhancing parenting style and decreasing their children's oppositional behavioral problems. The research method was quasi-experimental with pre-and-post design with control group. Therefore, 24 mothers whose children were diagnosed as ADHD were chosen through at-hand sampling and were matched into experimental and control groups. The research instruments were CSI-4, and parenting style questioners for Parents. Training mothers with Adler- Dreikurs approach

was accomplished in ten 90-minutes sessions. In the end, the two groups completed the questionnaires as post-test. The data was analyzed using ANCOVA. The results indicated the effect of instructing Adler-Dreikurs methods on improving authoritarian parenting style scores in mothers ($P<0/05$) and also the effect of this experimental instruction on decreasing authoritative and neglectful parenting practices scores and oppositional behavioral ($P<0/05$) of experimental group in comparison with control group. The results totally showed that behavioral training to mothers improves their parenting style and prevents rising confusion in parent-child relationships and also emotional problems in mothers of children with ADHD disorder.

Keywords: ADHD, Adler-Dreikurs instruction, parenting style, oppositional Behaviour.

Contact information: amiri_tmu@yahoo.com

مقدمه

اختلال کمبود توجه/ فزون کنشی^۱ یکی از اختلال‌های رایج دوران کودکی است که وجه مشخصه آن الگوی پایدار و ثابت از کمبود توجه و فزون کنشی است که فراوان‌تر و شدیدتر از آنچه در کودکان بهنجار دیده می‌شود، بروز پیدا کرده که با توجه به سطح تحول فرد، نامتناسب است (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۲۰۱۳ و ویلکات، ۲۰۱۲). تقریباً ۵ درصد از جمعیت کلی کودکان شرایط مربوط به تشخیص انواعی از اختلال کمبود توجه/فزون کنشی را احراز می‌کنند (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۲۰۱۳). یکی از عواملی که در اختلال کمبود توجه/فزون کنشی نقش دارد، عوامل ژنتیکی است، در مقابل نظریه‌های دیگری بر نقش محیط و عوامل والدینی در علت‌شناسی این اختلال تأکید دارند (بوسینگ و همکاران، ۲۰۱۲). یکی از نظریه‌های محیطی در این مورد، رویکرد آدلر و یکی از همکاران او به نام درایکورس است. در تبیین علل مشکلات رفتاری دوران کودکی، نظریه پردازان آدلری معتقدند که انسان موجودی اجتماعی است و فهم او تنها در سایه بررسی ارتباط دوجانبه، مبتنی بر احترام و دلگرمی^۲ او با سایرین امکان‌پذیر است (درایکورس، ۱۹۶۸).

در این رویکرد چنین فرض می‌شود که رفتار مناسب هنگامی در کودک شکل می‌گیرد که

تأثیر آموزش مادران کودکان مبتلا به اختلال کمبود توجه/فزون کنشی با روش آدلر - درایکورس در...

نیاز کودک به تعلق و مهم بودن در محیط خانوادگی مورد توجه قرار گیرد. هنگامی که کودک دارای احساس تعلق به محیط خانوادگی باشد، علاقه اجتماعی^۳ را در خود بیشتر محقق ساخته و می‌تواند با علاقه مضاعف وظایف محوله و شخصی در محیط خانه را به درستی انجام دهد (بنجامین، ۲۰۰۴). در زمینه مشکلات رفتاری کودکان همچون تکانشگری درایکورس بیان می‌دارد، کودکی که از توانایی‌های خود برای تعلق و پیوند برقرار کردن، احساس توانایی کردن و به حساب آمدن از راه‌های مثبت دلسرد است از راه‌های نامناسب استفاده می‌کند تا از این راه نیازهای چهار گانه خود را برآورده سازد، این تدابیر مقابله‌ای که به واسطه رفتارهایی مثل تکانشی بودن، اجتناب کردن و فراموشکاری خود را نشان می‌دهد، همگی نشان‌دهنده برآورده نشدن این نیازهای کودک هستند (درایکورس و کسل، ۲۰۰۴). در این میان یکی از نکات اساسی که در برآورده کردن این نیازها در محیط خانوادگی دارای اهمیت است، چگونگی والدگری پدر و مادر در خانواده است که گاهی می‌تواند به عنوان منبع بسیار مهمی در عدم ارضای این نیازها قلمداد گردد (درایکورس، ۱۹۹۲). پژوهش‌ها نیز بیان می‌کنند که به علت شیوه والدگری^۴ سختگیرانه در مقابل مشکلات رفتاری، ندادن استقلال به کودک برای تکمیل فعالیت‌های شخصی و همچنین ممانعت والدین از مواجه شدن کودک با پیامدهای طبیعی رفتار، همگی باعث بوجود آمدن این امر می‌شوند که نشانه‌های تکانشگری و کم‌توجهی در انجام فعالیت‌های شخصی در این کودکان افزایش یابد (والتون، ۲۰۰۷). در همین رابطه چانگ، چيو، وو و شورفن گاوو (۲۰۱۲) در پژوهش خود به این نتایج دست یافتند که کودکان با اختلال کمبود توجه/فزون کنشی، مراقبت مناسبی را از جانب والدین خود دریافت نمی‌دارند و بیشتر در برخورد با این کودکان از حمایت بیش از حد و همچنین شیوه‌های کنترل استبدادی استفاده می‌شود. از نظر درایکورس مهمترین عنصر در فرایند تربیت کودک دلگرم‌سازی است. کودکی که دلگرم نیست در حقیقت نتوانسته است از راه‌های مفید به علاقه اجتماعی^۵ و احساس تعلق در محیط خانواده دست یابد، اما این نیاز در او وجود دارد، درایکورس معتقد است هنگامی که چنین امری در خانواده اتفاق می‌افتد، سازش‌نا یافتگی کودک می‌تواند به چهار دلیل اصلی مربوط باشد، که عبارتند از: کسب توجه، دست‌یابی به قدرت (قدرت‌طلبی)،

تأثیر آموزش مادران کودکان مبتلا به اختلال کمبود توجه / فزون کنشی با روش آدلر - درایکورس در...

انتقام‌جویی و ابراز بی‌کفایتی (درایکورس و سولتس^۶، ۱۹۶۴). با توجه به مطالب گفته شده رویکرد درایکورسی در مواجهه با مشکلات تعاملی والد-کودک و مشکلات رفتاری فرزندان بر اهمیت گرمی و صمیمیت، گفتگو متقابل با کودکان جهت پیشگیری از مشکلات رفتاری و پیشگیری از حمایت بیش از حد والدین از کودکان‌شان تأکید بسیار زیادی می‌کند، به همین دلیل در این پژوهش برنامه آموزش مادران با رویکرد آدلر - درایکورس به کار گرفته شد، تا تأثیرگذاری آن در بهبود شیوه‌های والدگری و کاهش مشکلات رفتاری کودکان با اختلال کمبود توجه / فزون کنشی به صورت توأمان مورد ارزیابی قرار گیرد.

روش

این مطالعه یک پژوهش نیمه‌آزمایشی با استفاده از طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه آزمایش و گواه می‌باشد. برای گزینش نمونه، نخست از بین پنجاه نفر از دانش‌آموزان پسر که با معرفی معلمانشان و بنابر مصاحبه تشخیصی بر حسب علائم راهنمای تشخیصی اختلالات روانی با این معلمان دارای علائم این اختلال بودند انتخاب شدند و سپس برای تشخیص دقیقتر پرسشنامه مرضی کودکان بر روی مادران آنها اجرا گشت و مصاحبه تشخیصی نیز اجرا شد. لازم به ذکر است که در انتخاب نمونه مناسب برای پژوهش، از میان مدارس ابتدایی، دانش‌آموزانی که با اختلال تشخیص داده شدند، پس از هم‌تاسازی آنها از نظر متغیرهایی همچون میزان تحصیلات دانش‌آموزان، جنس، نوع اختلال، سن و میزان تحصیلات مادران و پس از اعلام رضایت مادران برای شرکت در مطالعه، ۳۰ دانش‌آموز پسر که در مجموع دارای علائم بیشتری بودند، انتخاب و به شیوه تصادفی در دو گروه آزمایش و گواه (هر گروه ۱۵ نفر) جایگزین شدند.

شیوه اجرا: در هر دو گروه، پیش‌آزمونی برای تعیین میزان متغیرهای وابسته پژوهش اجرا و سپس گروه آزمایشی طی ده جلسه ۹۰ دقیقه‌ای آموزش داده شد و پس از پایان آموزش، مجدداً متغیرهای مذکور اندازه‌گیری شدند. محتوای به‌طور عمده از برنامه آموزش والدین کودکان خوشبخت، درایکورس و شولتز ترجمه‌علیزاده و روحی (۱۳۹۲)، اقتباس شده بود. که

تأثیر آموزش مادران کودکان مبتلا به اختلال کمبود توجه/فزون‌کنشی با روش آدلر - درایکورس در...

در به شرح اقدامات آموزشی انجام شده در ادامه پرداخته شده است. جلسه اول: اطلاعات ضروری در مورد ماهیت، شیوع، سیر، پیش‌آگهی، سبب‌شناسی، تبیین هدف برنامه و قوانین گروه. جلسه دوم: اصول شکل‌گیری رفتار و درک کودک و شناخت انگیزه‌های او برای بروز رفتارهای نامطلوب. جلسه سوم: نقش و اهمیت آموزش و کاربرد عملی روش دلگرم‌سازی. جلسه چهارم: شناخت اهداف اشتباه کودکان در انجام رفتارها و هدایت کودکان برای انجام رفتارهای مشارکتی و مطلوب. جلسه پنجم: اشتباهات رایج در تنبیه و تشویق و استفاده از پیامدهای طبیعی و منطقی. جلسه ششم: اهمیت ندادن والدین به عادت‌های بد کودکان. جلسه هفتم: جلوگیری از سرزنش بیش از حد و پرخاشگری در قبال مشکلات رفتاری کودکان. جلسه هشتم: جلب مشارکت کودک در انجام کارهای مربوط به زندگی مشترک در محیط‌های گوناگون زندگی. جلسه نهم: هدف: پیشگیری از توجه و حمایت بیش از حد از کودک. جلسه دهم: برانگیختن استقلال در کودک. در این پژوهش از ابزارهای زیر استفاده به عمل آمد:

پرسشنامه مرضی کودکان $CSI-4^Y$. این پرسشنامه یک مقیاس درجه‌بندی رفتار است که در سال ۱۹۹۴ با چاپ چهارم راهنمای آماری اختلال‌های روانی مورد تجدید نظر قرار گرفت و منتشر شد (محمد اسماعیل و علی‌پور، ۱۳۸۱). ۱۸ سؤال آن مربوط به اختلال کمبود توجه/فزون‌کنشی و شیوه نمره‌گذاری به دو روش نمره برش غربال‌کننده و روش نمره شدت نشانه است. محمد اسماعیل و علی‌پور (۱۳۸۱) همبستگی فرم والدین را برای نوع بی‌توجه $0/53$ ، نوع تکانشی بیش‌فعال $0/60$ و نوع مرکب $0/69$ گزارش کرده‌اند.

پرسشنامه شیوه‌های والدگری (راینسون، ماندلکو، الس و هارت، ۲۰۰۱): این پرسشنامه را عزیزاده (۱۳۷۹) به فارسی ترجمه کرده است. این پرسشنامه ۳۲ گویه‌ای توسط والدین تکمیل و دارای یک طیف پنج‌درجه‌ای است. این پرسشنامه سه شیوه والدگری مقتدرانه، خودکامه و سهل‌گیر را می‌سنجد. عزیزاده و آندریس (۲۰۰۲) قابلیت اعتماد درونی برای مقیاس اقتداری در کودکان مادر را $0/9$ ، برای مقیاس استبدادی $0/78$ و سهل‌گیر $0/70$ گزارش داده‌اند.

داده‌ها یافته‌ها

برای تحلیل داده‌ها و به‌منظور کنترل اثر پیش‌آزمون از تحلیل کوواریانس استفاده شد. در

تأثیر آموزش مادران کودکان مبتلا به اختلال کمبود توجه/فزون کنشی با روش آدلر - درایکورس در...

این پژوهش شیب‌های خط رگرسیون در تمامی متغیرهای مورد مطالعه موازی بودند. در این مطالعه تعامل گروه و پیش‌آزمون برای متغیرهای شیوه‌های والدگری مقتدرانه ($p > 0/05$) و $F=0/621$ ، سهل‌گیر ($p > 0/05$ و $F=0/422$)، استبدادی ($p > 0/05$ و $F=0/381$) و مشکلات رفتاری تضادورزانه ($p > 0/05$ و $F=1/146$)، معنادار نیست، از این رو، می‌توان گفت که این پیش‌فرض رعایت شده است. آزمون لوین محاسبه شده در مورد هیچ یک از متغیرهای مورد بررسی از لحاظ آماری معنی دار نبود، (پس آزمون‌ها؛ شیوه‌های والدگری مقتدرانه $p > 0/05$ و $F=0/563$ ، سهل‌گیر $p > 0/05$ و $F=0/024$ ، استبدادی $p > 0/05$ و $F=0/250$ و مشکلات رفتاری تضادورزانه $p > 0/05$ و $F=0/321$)، بنابراین مفروضه همگونی واریانس‌ها نیز تأیید شد. در جدول شماره (۱) نمرات شاخص‌های توصیفی گروه‌های آزمایشی و گواه به ترتیب نشان داده شده است.

جدول ۱: میانگین و انحراف معیار پیش‌آزمون و پس‌آزمون دو گروه آزمایشی و گواه

متغیر	موقعیت	گروه آزمایش		گروه گواه	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
مشکلات رفتاری تضادورزانه	پیش‌آزمون	۱۰/۰۰	۱/۷۶	۱۰/۳۳	۱/۸۳
	پس‌آزمون	۷/۰۶	۱/۷۸	۱۰/۴۰	۱/۸۲
شیوه والدگری مقتدرانه	پیش‌آزمون	۲۲/۹۳	۴/۸۷	۲۲/۵۳	۳/۳۵
	پس‌آزمون	۲۶/۶۰	۵/۷۲	۲۲/۸۶	۲/۴۳
شیوه والدگری سهل‌گیر	پیش‌آزمون	۱۸/۶۰	۴/۷۹	۱۸/۸۶	۵/۹۸
	پس‌آزمون	۱۵/۶۰	۳/۳۹	۱۷/۹۳	۳/۱۹
شیوه والدگری استبدادی	پیش‌آزمون	۱۷/۱۳	۱/۳۵	۱۷/۲۶	۱/۳۷
	پس‌آزمون	۱۴/۷۳	۱/۶۸	۱۷/۳۳	۱/۹۷

جدول ۲: نتایج تحلیل کوواریانس مربوط به متغیر رفتارهای تضادورزانه

متغیرها	منابع تغییرات	F	سطح معناداری	مجذور اتا
رفتارهای تضادورزانه	پیش‌آزمون	۰/۸۶	۰/۳۶	۰/۳۱
	گروه	۳۱/۴۸	۰/۰۰۱	۰/۵۲

با توجه به جدول شماره (۲)، نتایج نشان داد اثر گروه یا مداخله از لحاظ آماری معنادار

تأثیر آموزش مادران کودکان مبتلا به اختلال کمبود توجه/فزون کنشی با روش آدلر- درایکورس در...

بوده است ($p > 0/001$ و $F(1, 27) = 31/48$). بنابراین می توان نتیجه گرفت برنامه آموزش آدلر- درایکورسی باعث تغییر در گروه‌ها شده است. علاوه بر این میزان اندازه اثر $0/53$ یا به عبارت دیگر 53% درصد از تغییرات مشکلات تضادورزی کشاکشی مربوط به عضویت گروهی است.

**جدول ۳: نتایج تجزیه و تحلیل کواریانس
جهت مقایسه نمرات پس آزمون شیوه‌های والدگری**

متغیرها	منابع تغییرات	F	سطح معناداری	مجذور اتا
خودکامه	پیش آزمون	۳/۳۱	۰/۰۸	۰/۱۰
	گروه	۱۰/۸۶	۰/۰۰۳	۰/۲۸
سهل گیر	پیش آزمون	۲۳/۷۲	۰/۰۰۱	۰/۴۶
	گروه	۶/۱۶	۰/۰۲	۰/۱۸
مقتدرانه	پیش آزمون	۳۰/۸۰	۰/۰۰۱	۰/۵۳
	گروه	۶/۱۳	۰/۰۵	۰/۱۸

چنانچه در جدول شماره (۳) مشاهده می شود بین میانگین نمرات پس آزمون زیرمقیاس‌های شیوه‌های والدگری خودکامه [$P < 0/001$ و $F(1, 27) = 17/69$] سهل گیر [$P < 0/001$] و $F(1, 27) = 6/16$] و مقتدرانه [$P < 0/05$ و $F(1, 27) = 6/13$] بعد از حذف اثر پیش آزمون تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارتی می توان گفت آموزش آدلری والدین به صورت معناداری باعث افزایش استفاده از شیوه والدگری مقتدرانه در گروه آزمایشی شده و استفاده از دو شیوه دیگر را کاهش داده است.

بحث و نتیجه گیری

تحلیل نتایج نشان داد که آموزش مادران به شیوه آدلر- درایکورسی در کاهش نمرات شیوه‌های والدگری سهل گیرانه و استبدادی مادران مؤثر بوده است و از دیگر سو سبب بهبود شیوه والدگری مقتدرانه منطقی در مادران گروه آزمایشی شده است. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های بسیاری از پژوهش‌گران (اسماعیلی‌نسب و همکاران، ۱۳۸۹؛ پورتری بتکه و همکاران، ۲۰۰۹؛ مازور، ۲۰۰۲) که بر اثربخشی آموزش والدین و به خصوص آموزش والدین

تأثیر آموزش مادران کودکان مبتلا به اختلال کمبود توجه/فزون کنشی با روش آدلر - درایکورس در...

آدلری در بهبود شیوه‌های تربیتی مادران و کاهش مشکلات رفتاری کودکان تأکید کرده‌اند، دارای همخوانی است. یکی از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر اختلال کمبود توجه/فزون کنشی، در رویکرد آدلری شیوه والدگری والدین است (والتون، ۲۰۰۷)، به‌خصوص اینکه روابط منفی والد - کودک به‌عنوان یک عامل خطر ساز در مشکلات رفتاری کودکان (درایکورس، ۲۰۰۴) و بالاخص کودکان با اختلال کمبود توجه/بیش‌فعالی همواره مطرح بوده است، زیرا مشکلات رفتاری کودکان منعکس‌کننده شکست والدین در به‌کارگیری یک سبک والدگری کارآمد و مناسب به‌منظور مهار کردن رفتار فرزندانشان است (بارکلی، ۲۰۰۶)، از این‌رو آموزش والدین آدلری با داشتن آموزه‌هایی دادن استقلال به کودک، مواجه کردن کودک با پیامدهای منطقی و طبیعی بدون اعمال روش‌هایی تنبیهی و تأدیبی سخت‌گیرانه و به‌کار نبردن سرزنش بیش از حد و پرخاشگری در قبال مشکلات رفتاری کودکان با اختلال کمبود توجه/بیش‌فعالی توانسته اثر خود را بر کاهش علائم از طریق تأثیرگذاری بر سبک‌های تربیتی والدین اعمال کند و تا حدودی شیوه‌های والدگری والدین را به شیوه والدگری مقتدرانه منطقی نزدیک کند.

همچنین در این پژوهش به مادران نحوه و چگونگی تعامل صحیح با فرزندان‌شان مورد تأکید قرار گرفت تا بیاموزند که چگونه از کودکان خود حمایت کنند و از بیش‌حمایتی بپرهیزند زیرا، پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهند که بیش‌حمایتی والدین از کودکان‌شان با بسیاری از مشکلات رفتاری کودکان با اختلال کمبود توجه/فزون کنشی رابطه دارد (به‌عنوان مثال چانگ و همکاران ۲۰۱۲ و کاواباتا و همکاران، ۲۰۱۱).

تحلیل نتایج نشان داد که آموزش مادران به‌شیوه آدلر - درایکورسی بر کاهش مشکلات رفتاری تضادورزانه کودکان مؤثر بوده است و اثربخشی آن از لحاظ آماری معنادار است. همسو با نتیجه پژوهش حاضر، در مورد اثربخشی آموزش شیوه‌های آدلر - درایکورسی به مادران در کاهش مشکلات رفتاری کودکان، بسیاری از پژوهش‌گران (مازور، ۲۰۰۲؛ باربر و همکاران، ۲۰۰۵؛ بیتر، ۲۰۰۷؛ پورتری بتکه و همکاران، ۲۰۰۹)، بر اثربخشی این چنین روش‌هایی در کاهش مشکلات رفتاری کودکان تأکید کرده‌اند. در تبیین این یافته می‌توان گفت که در این رویکرد آموزشی، آموزش و استفاده از اصولی همچون اجتناب از تنبیه، توجه

تأثیر آموزش مادران کودکان مبتلا به اختلال کمبود توجه/فزون کنشی با روش آدلر - درایکورس در...

به نتایج منطقی و طبیعی رفتار تمایز بین انضباط و تنبیه، انتخاب روش‌های تربیت ساده برای کودکان و کاربرد دلگرمی برای مادران که از اصول اصلی این برنامه آموزشی بوده است، توانسته است از میزان مشکلات رفتاری کودکان مبتلا بکاهد و تضادورزی آنها کاهش پیدا کند.

پی‌نوشت‌ها:

- 1- Attention deficit hyperactivity disorder
- 2- Encouragement
- 3- Social interest
- 4- Parenting style

منابع و مأخذ فارسی:

اسماعیلی‌نسب، مریم؛ علیزاده، حمید؛ احدی، حسن. (۱۳۸۹). مقایسه اثربخشی دو روش آموزش والدین با رویکرد آدلری و رفتاری بر کاهش شدت نشانه‌های اختلال سلوک در کودکان. پژوهش در حیطه کودکان استثنایی، سال دهم، شماره ۳، ۲۲۷-۲۳۶.

درایکورس، رادولف و سولتس، و. (۱۹۹۵). کودکان خوشبخت: راهبردهای تربیت کودک و بهبود رابطه والدین-فرزند، ترجمه علیزاده، ح. و روحی، ع. (۱۳۹۲). تهران: ارسباران.

علیزاده، حمید. (۱۳۸۳). آدلر در گستره نظریه شخصیت و روان درمانی. چاپ اول، تهران: دانژه.

محمداسماعیل، الهه؛ و علی‌پور، ا. (۱۳۸۱). بررسی مقدماتی اعتبار، روایی و تعیین نقاط برش اختلال‌های پرسشنامه علائم مرضی کودکان CSI-4. فصلنامه پژوهش در حیطه کودکان استثنایی، ۳، ۲۲-۳۶.

منابع و مأخذ خارجی:

- Alizadeh H., Andries C. (2002). Interaction of Parenting Style and Deficit Hyperactivity Disorder in Iranian Parents. *Child Family Behavior Therapy*, 24, 37-52.
- American psychiatric association. (2013). *Diagnostic and statistical manual of mental disorder: DSM-5*. - 5th ed. Arlington, VA, American Psychiatric Association. Washington, DC.

- Barber, B.K., Stolz, H.E., Olsen, J.A. (2005). Parental support, psychological control, and behavioral control: Assessing relevance across time, method, and culture. *Monographs of the Society for Research in Child Development*, 70, No. 4.
- Barkley, R.A. (2006). *Attention deficit hyperactivity disorder- A handbook for diagnosis and treatment* (3rdEds.). New York: Guilford Press.
- Benjamin, G.(2004). *Adlerian based parenting education in little Haiti.An action research*.Union Institute and university.Development.Blakwell Publishing.
- Bitter, J.R., Roberts (2007). *Theories and Techniques of Family Therapy and Counseling*.Taylor and Francis.
- Bussing, R., Zima, B., Mason, D., Meyer, J. (2012). ADHD Knowledge, Perceptions, and Information Sources: Perspectives From a Community Sample of Adolescents and Their Parents. *Journal of Adolescent Health*. 222-230.
- Chang, LR, Chiu, YN, Wu, YY, Shur-Fen Gau, S. (2012). Father's parenting and father-child relationship among children and adolescents with attention deficit/hyperactivity disorder. *Comprehensive Psychiatry*, 22, 326-334.
- Dreikurs, R. (1964). *Children:The Challenge*. New York: Hawthorne.
- Dreikurs, R., & Grey, L. (1968). *Logical consequences: A newapproach to child discipline*. New York: Hawthorn.
- Dreikurs, R., &Soltz, V. (1964). *Children: The challenge*.New York: Hawthorn.
- Dreikurs, R., Cassel, P., &Dreikurs Ferguson, E. (2004). *Discipline without tears*. John wiley& sons Inc.
- Eckstein, D., Cooke, P. (2005).The Seven Methods of Encouragement for Couples. *The family journal: Counseling and Therapy for Couples and families*. 13. 3, 342-350
- Janssens, K.A.M., Oldehinkel, A.J., Rosmalen, J.G.M. (2009). Parental Overprotection Predicts the Development of Functional Somatic Symptoms in Young Adolescents. *The Journal of Pediatrics* . 918-923.
- Kawabata, Y & Tseng, WL &Shur-Fen Gau, S. (2012). Symptoms of Attention-Deficit/Hyperactivity Disorder and Social and School Adjustment: The Moderating Roles of Age and Parenting. *Journal Abnorm Child Psychol*, 40:177-188.
- Lifford KJ, Harold GT, Thapar A. (2008). Parent-child relationships and ADHD symptoms: a longitudinal analysis. *Journal Abnormal Child Psychology*; 36:285-96.
- Mazur, J.E. (2002). *Learning and Behaviour* (5th ed.). Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
- Mooney, S. (1995). Parent training: A review of Adlerian, parent effectiveness training, andbehavioral research. *Family Journal Counseling and Therapy for Couples and Families*, 3(3), 218-230.
- Portrie-Bethke, T.L., Hill, N.R., Bethke, J.G. (2009). Strength-Based Mental Health Counseling for Children with ADHD: An Integrative Model of

Adventure-Based Counseling and Adlerian Play Therapy. *Journal of Mental Health Counseling*. 323-339.

Robinson, P.W; Robinson, M.P; & Dunn, T.W. (2003). "STEP Parenting: A review of the research" *Canadian Journal of Counseling*, 37, 270-278.

Taylor, C.T., Adlen, L.E. (2006). Parental Overprotection and Interpersonal Behavior in Generalized Social Phobia. *Behavior Therapy* 37, 14-24.

Walton, F. (2007). Understanding and Helping Children Who Manifest Symptoms That Meet the Criteria for the Attention-Deficit Hyperactivity Disorder Diagnosis. *The Journal of Individual Psychology*, 63, 2, 236-240.

Willcutt, E. (2012). The Prevalence of DSM-IV Attention-Deficit/ Hyperactivity Disorder: A Meta-Analytic Review. *Neurotherapeutics* 9:490-499.